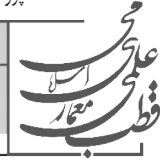


## اثر توالی سلسله‌مراتب در آفرینش حس تعلق به مکان مساجد تبریز



احمد نژاد ابراهیمی \*

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز (نویسنده‌ی مسئول)

محمد شیخ الحکمایی

دانشجوی کارشناسی ارشد، معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۶/۱۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۴/۲۵

### چکیده

رعایت سلسله‌مراتب در ساخت بناها جزو اصولی بوده که انتظام فضایی در بناهای مختلف از جمله مساجد را در پی داشته است. مساله رعایت اصول و توالی سلسله‌مراتب که در طول سال‌ها در مساجد مورد استفاده بوده است؛ تاثیر مستقیمی بر احساسات افراد و فعالیت‌های او در طول بازدید از مساجد داشته؛ چراکه فعالیت شکل گرفته ارتباط مستقیمی با انسان و ذهنیات او نسبت به مسجد دارد و منجر به ایجاد حس تعلق به مکان می‌شود؛ بعد از دوره قاجاریه و در دوره‌های پهلوی و جمهوری اسلامی با ایجاد تغییراتی در الگوی مساجد، سلسله‌مراتب آن‌ها دچار تغییراتی شده که با توجه به تاثیر آن بر فعالیت و ذهنیات افراد، ضرورت دارد ارتباط میان سلسله‌مراتب با حس تعلق به مکان مورد بررسی قرار گیرد. هدف از انجام این پژوهش بررسی تغییرات کالبدی مساجد و اثر آن بر حس تعلق به مکان کاربر در بازدید از مسجد دارد؛ به طور مشخص می‌بایست به این سوال پاسخ داد که تاثیر سلسله‌مراتب بر ایجاد حس تعلق به مکان در مساجد چیست؟ در روش تحقیق، پرسش‌ها به صورت کیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و کارمیدانی بررسی شده که از طریق ارائه یک مدل تحقیقی بر اساس فرم کالبدی مساجد و ارزیابی آن بر مبنای تطبیق سلسله‌مراتب و تحلیل عناصر کالبدی موثر بر حس تعلق به مکان این مطالعه صورت گرفته است. یافته‌ها در این تحقیق نشان می‌دهد با گذشت زمان برخی از عناصر کالبدی در مساجد دچار تغییراتی شده که این مساله از تفاوت در نشانه‌های کالبدی سلسله‌مراتب فهم می‌شود. علاوه بر آن، حذف سلسله‌مراتب در بعضی مساجد، فعالیت و تعامل کاربر در فضا را تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ و در ایجاد تصویر ذهنی مخاطب از مسجد تاثیر بسزایی خواهد داشت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد؛ سلسله‌مراتب و حس تعلق به مکان در مساجد مکمل یکدیگر هستند به طوری که تغییر توالی یا حذف سلسله‌مراتب در هر دوره باعث می‌شود ماهیت عناصر کالبدی، از سکون به حرکت یا گذر از سلسله‌مراتب تغییر پیدا کند. پس در نتیجه این تحول، تجربه و درک از نشانه‌های کالبدی در سلسله‌مراتب به درستی صورت نگرفته و حس تعلق به مکان افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: سلسله‌مراتب، کالبد، تصویر ذهنی، فعالیت، حس تعلق به مکان.

## مقدمه

حس مکان جز مفاهیمی بوده که امروزه مورد توجه واقع شده و افراد مختلفی در این باب سخن گفته‌اند. دلیل اهمیت این موضوع از دیدگاه آنان ایجاد هویت و تعلق خاطر توسط حس مکان و مولفه‌های وابسته به آن است. حس تعلق به مکان یکی از مولفه‌های حس مکان محسوب می‌شود که به تجربه افراد از حضور در اماکن و تصویر ذهنی ثبت شده در ذهن آن‌ها می‌پردازد و سبب ایجاد نوعی تعلق خاطر براساس تجربه صورت گرفته می‌شود. مولفه‌های حس تعلق به مکان توسط کانتور<sup>۱</sup> (۱۹۷۷) و پانتزر<sup>۲</sup> (۱۹۹۱) ارایه شده است. این مولفه‌ها شامل کالبد، فعالیت و معنا (تصویرذهنی) می‌باشد که ادراک بر پایه این سه مولفه شکل خواهد گرفت. مسجد نیز یکی از تجلی‌گاه‌های ظهور معنا در کالبد می‌باشد؛ و باتوجه به رویکرد کالبد طراحی شده در آن احساسات او را تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ و فعالیتش در فضای مسجد، تصویر ذهنی مناسبی را از تجربه بازدید ایجاد می‌کند. اما اینکه سلسله‌مراتب مسجد چگونه و تا چه اندازه می‌تواند بر فرد تاثیرگذار باشد؛ بستگی به نشانه‌های کالبدی موجود در طراحی دارد. مخاطب وقتی تصویر ذهنی مناسبی در ذهنش ایجاد می‌شود که نشانه‌های درک شده او را به فعالیت وا دارد. این پژوهش در صدد مقایسه تغییر نشانه‌ها در کالبد و سلسله‌مراتب مساجد و ایجاد حس تعلق به مکان براساس درک صورت گرفته از عناصر کالبدی در مساجد سه دوره قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی خواهد بود.

## روش تحقیق و پرسش پژوهش

این پژوهش که به صورت کیفی انجام شده است؛ سلسله‌مراتب در مساجد تبریز را در دوره‌های مختلف مقایسه می‌کند. با استفاده از روش تطبیقی، مولفه‌های کالبدی و عناصر سلسله‌مراتب مسجد را براساس شاخصه‌های آن با

دوره‌های تاریخی (قاجار-پهلوی و جمهوری اسلامی) تطبیق داده و با بهره‌گیری از روش تحلیلی، سلسله‌مراتب را با در نظر گرفتن تاثیر کالبد بر فعالیت کاربر و تاثیر تصویر ذهنی ایجاد شده در آن، تحلیل انجام خواهد گرفت تا به این پرسش پاسخ داده شود: تاثیر سلسله‌مراتب بر ایجاد حس تعلق به مکان در مساجد چیست؟ رعایت توالی سلسله‌مراتب در مساجد بر کاربر موثر بوده و فعالیت او را کنترل می‌کند. فعالیت کاربر از جمله حرکت و یا سکون تصویر ذهنی مختلفی برای او ترسیم می‌کند.

## پیشینه پژوهش

حس تعلق به مکان در پژوهش‌های مشابه در مقیاس خانه، محله، شهر و یا اماکن خاص صورت گرفته است؛ و رویکرد انتخابی برای بررسی مقیاس‌های ذکر شده بیشتر به فعالیت‌های اجتماعی، رضایت‌مندی، خوانایی، نفوذپذیری آسایش، توسعه ارتباطات، امنیت، تزئینات و نشانه‌ها تعلق دارد که غالباً این مفاهیم را بر اساس ویژگی‌های کالبدی از محیط برداشت شده است. در کنار پژوهش‌های انجام شده، در زمینه سلسله‌مراتب نیز عمدتاً مطالب حول مباحثی از منظر عرفان و حکمت اسلامی، سلسله‌مراتب ورودی خانه و مساجد یا مطالعه سلسله‌مراتب از بُعد حریم و حریمیت انجام شده که همگی در جای خود ارزشمند است؛ اما مباحثی که پژوهشگران در مورد حس تعلق به مکان مطرح کرده‌اند با رویکردی کمی به موضوع نگاه شده است. اغلب این مطالعات در مقیاس شهری صورت گرفته؛ و کمتر به جنبه معماری حس تعلق به مکان و کالبد مسجد پرداخته‌اند. مطالعات انجام شده در مورد سلسله‌مراتب نیز بیشتر کالبد را به صورت یک فضای کلی در نظر گرفته و فاقد مطالعات در مورد تاثیر عناصر کالبدی در فضا نظیر کاربرد سطوح کالبدی می‌باشد.

جدول ۱. پیشینه تحقیق (نگارندگان)

پژوهشگر	مفاهیم پژوهش شده	جمع‌بندی
محسن فاضلیان، محمدرضا قاسمی (۱۳۹۲)	حس تعلق در فضاهای اجتماعی	پیوند اجتماعی و خوانایی در فضاهای اجتماعی در ایجاد حس تعلق موثر است.
ابوالفضل مشکینی، اکرم قاسمی، مهدی حمزه‌نژاد (۱۳۹۳)	حس تعلق مدت سکونت، رضایت از دسترسی به خدمات شهری، احساس امنیت در محل و فعالیت‌های اجتماعی در شهرهای جدید	ارتباط معنادار متغیر باهم و اثبات اینکه با بهبود میزان فعالیت‌های اجتماعی، امنیت و رضایت افراد، سکونت آنان نیز افزایش خواهد یافت.



حس تعلق موجود در خانه‌های سنتی دلیلی بر تمایل کمتر افراد برای جابه‌جایی می‌باشد.	مفاهیم کالبدی مانند شکل و اندازه عناصر، روابط و چیدمان و بافت و تزئینات در خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی	علی اکبر حیدری، قاسم مطلبی، فروغ نگین تاجی (۱۳۹۳)
با ایجاد زمینه حضور و تعامل در فضا جمعی حس تعلق به وجود خواهد آمد.	مفاهیم ذهنی، کارکردی و کالبدی	نوشین رضوانی، مصطفی بهزادفر، کیومرث حبیبی (۱۳۹۶)
سلسله‌مراتب محرمیت در مساجد ایرانی، تسهیل‌کننده ادراک معنوی و عرفانی انسان می‌باشد.	مطالعه سلسله‌مراتب محرمیت در مساجد	صاحب محمدیان منصور (۱۳۹۵)
سلسله‌مراتب در فضای ورودی و کالبد به‌عنوان عاملی اثر گذار بر ادراک و رفتار زائر موثر است.	بررسی تاثیر سلسله‌مراتب فضاهای ورودی بر مبنای ادراک زائر	محمد رضایی ندوشن، عبدالهادی دانشپور، مصطفی بهزادفر (۱۳۹۸)
طراحی سلسله‌مراتب مناسب و هماهنگ به طوریکه دارای عملکرد مناسب و معنادار با هر جزء با مجموعه شهری را داشته باشد.	مطالعه سلسله‌مراتب با استفاده از مفاهیمی همچون شهر، محله، دسترسی، عملکرد و محرمیت، مسجد	منوچهر طیبیان، نصیبه چربگو، انیسه عبداللهی مهر (۱۳۹۰)
در نظر گرفتن جنبه کالبدی طراحی در ایجاد پیوند بین انسان و مکان	بررسی مفاهیم فردی (سن، جنسیت، تجربه) و اجتماعی (شغل، درآمد، طبقه اجتماعی)	Farzaneh Ganji Jameh Shouran, Somayeh Amir Shah Bande, Shamin Gheibi (2016)
دل‌بستگی به مکان به خصوصیات کالبدی وابسته است و اماکنی که از معانی غنی هستند میان مکان و افراد پیوند عاطفی ایجاد می‌کند.	بررسی حسن تعلق به مکان از منظر کالبدی	Dilek Ozdemir Darby & Tugce Ozata (2017)

### معنای حس تعلق به مکان

برای شناخت بهتر حس مکان، از مفهوم تعلق به مکان که بر پایه حس مکان به وجود می‌آید استفاده خواهد شد؛ حس تعلق به مکان باعث پیوند فرد به مکان می‌شود. این مبحث به دو صورت تجربی و ادراکی در انسان نمود پیدا می‌کند که به وسیله ارتباط با محیط بدست خواهد آمد. نظریه‌پردازان به روش‌های مختلفی این موضوع را بیان کرده‌اند از جمله در کتاب استیل<sup>۴</sup> او پیوند فرد به مکان را حاصل تجربه وی از نشانه‌ها، معانی، عملکردها و شخصیت مکان می‌داند که طی این فرآیند تصویر ذهنی در مخاطب شکل گرفته و مکان برایش محترم می‌شود (استیل ۱۹۸۱، ۴۴). رلف<sup>۵</sup> (۱۹۶۷) این تجربه را ناشی از گذر زمان یا ادراک می‌داند او در تعریف مکان به جنبه ناآگاهانه و ادراکی از ابعاد پنهان تجربه فردی اشاره دارد و از آن به‌عنوان حس وابستگی یا حس مکان تعبیر می‌کند که از این طریق معنی مکان حاصل می‌شود؛ در ادامه وی به مسائلی چون لایه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز اشاره دارد که در تجربه از مکان موثر است. در منابع، ادراک و تجربه قائل به دریافت نشانه‌ها و لایه‌های اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. مطالعه دقیق مفاهیم قرآنی

### مبانی نظری

#### حس مکان و سطوح آن

احساسات آگاهانه، غیرآگاهانه و درک ذهنی افراد باعث شده از محیط راضی باشند؛ که سبب تقویت روابط اجتماعی و فرهنگی آنان در یک جامعه خواهد شد. براساس این تعریف و تعاریف مشابه می‌توان حس مکان را حاصل تعاملات انسان با مکان دانست که زمینه‌ساز بروز احساسات افراد در ذهن و محیط شده که حضور و فعالیت او را در مکان تقویت می‌کند. این تقویت حضور و فعالیت باعث ایجاد تصویر ذهنی در مخاطب می‌شود و همین امر سبب شده تا حس مکان بُعد معنایی و عاطفی برای او پیدا کند. حس مکان سطوح مختلفی را شامل شده، شامی<sup>۳</sup> (۱۹۹۱) در بررسی‌های خود در مورد سطوح مختلف احساس به مکان سه مرحله اصلی حس مکان، دل‌بستگی به مکان و تعهد به مکان را معرفی و این حس را در هفت سطح طبقه‌بندی می‌کند. این هفت سطح شامل بی‌تفاوتی نسبت به مکان، آگاهی از قرارگیری در یک مکان، تعلق به مکان، دل‌بستگی به مکان، یکی شدن با اهداف مکان، حضور در مکان و فداکاری برای مکان می‌شود.





موثر می‌دانند. اما سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که نقش سطوح کالبدی در ایجاد حس تعلق چیست؟ سطوحی که کالبد را شکل می‌دهند؛ زبان فضا می‌باشد و مفاهیمی را که معمار در ذهن خود داشته به این وسیله منتقل می‌کند؛ می‌توان نتیجه گرفت محیط‌هایی از منظر حس تعلق مطلوب هستند که از خوانایی و تمایز برخوردارند و فرد می‌تواند درک درستی از آن داشته باشد. مرتضوی نیز به اهمیت این سطوح اشاره دارد و تغییر این سطوح را در برداشت از معانی ایجاد شده در محیط موثر می‌داند (مرتضوی ۱۳۸۰، ۷۳).

علاوه بر مطالبی که آمد ایجاد تصویر ذهنی در محیط، در گرو مولفه‌هایی همچون احساسی که رنگ‌ها، اشکال، تحرک و تنوع نور برای دیده به وجود می‌آورند، بو، صدا، حس لامسه به شناخت و تشخیص محیط که سبب تقویت ارتباط غیرکلامی در افراد خواهد شد (لینچ ۱۳۷۲، ۱۲۸). جامع و کاربردی بودن مدل کانترا باعث شده تا محققین دیگری نیز براساس الهام از این مدل، مدل خود را تبیین کنند. او با تعیین مولفه‌هایی تحت عنوان کالبد، فعالیت و تصویر ذهنی دیاگرام سه بعدی را ارایه می‌کند که گویای مدل مکان است (تصویر ۱).



تصویر ۱. مدل مفهومی مکان و اجزای آن (مأخذ: کانترا ۱۹۷۷)

کله<sup>۸</sup> می‌گوید پیدایش تمامی فرم‌های تجسمی از حرکت نقطه آغاز می‌شود؛ نقطه حرکت می‌کند و خط ایجاد می‌گردد (بُعد اول). اگر خط تغییر مکان یابد و سطح را حاصل می‌کند (بُعد دوم). در حرکت از صفحه به فضا، از برخورد صفحات، جسم ایجاد می‌شود (سه بُعدی) (دی کی چینگ ۱۳۹۱، ۱۸). خلاصه اینکه انرژی جنبشی، حرکت نقطه را به خط، خط را به صفحه، و صفحه را به بعد فضایی تبدیل می‌کند. کالبد از سطوح مختلفی به صورت افقی، عمودی و بازشو شکل می‌گیرد؛ هر کدام از این مصادیق ذیل هر عنصر در شکل‌گیری سلسله‌مراتب در مساجد تاثیر دارند (تصویر ۲).

کدهای دریافت (ادراک) شده از سطوح کالبدی در جهت‌دهی

نیز ردپایی از توجه به نشانه‌ها را نشان می‌دهد به طوری که کالبد طبیعت در رابطه با انسان دارای رازها و رمزها و مفاهیمی است که در بسیاری از آیات قرآن به آن اشاره شده و خداوند با کلمه آیه به معنی نشانه از آن یاد می‌کند (نقره‌کار ۱۳۷۸، ۲۲۳). پس این مساله صادق است که زمانی نشانه الهی فهم خواهد شد که درک و آگاهی درستی نسبت به عواملی مادی وجود داشته باشد.

در دیدگاه اسلامی تنها یکی از ابعاد دین، یعنی ایمان با حوزه احساسات پیوند قوی دارد. البته می‌بایست توجه کرد که منظور از ایمان، معرفت با قلب، اقرار با زبان، عمل به ارکان است پس ایمان نیز متکی به معرفت می‌باشد. معرفت به صورت‌های مختلف از زبان حکما اسلامی بیان شده است؛ اما در زبان وحی معرفت ریشه در نشانه دارد. معرفت نوعی تداعی است و لذا چنین ادراکی، بر دو اصل استوار است ۱. مدرک ۲. نشانه؛ که نشانه می‌تواند در شی مادی یا در ذهن باشد (ناری‌قمی و قره‌بگلو ۱۳۹۴، ۲۲). در حوزه اسلامی می‌توان به این مساله رسید که عوامل رمزی، آیه‌ای و تمثیلی می‌توانند در عناصر کالبدی نمود پیدا کرده و وابسته به زمان و مکان هستند و برای انسان اندیشمند و آگاه درک شده و معنا پیدا می‌کند (نقره‌کار ۱۳۷۸، ۲۲۱). در تحقیقات مشابه نیز نتایج از اهمیت مساله نشانه‌ها به عنوان جزئی از کالبد خبر می‌دهد.

### عوامل ایجادکننده حس تعلق

توجه به حس تعلق از منظر کالبدی و در نظر گرفتن ابعاد آن بسیار حائز اهمیت است. از دیدگاه کانترا مکان از فرد نمی‌تواند مستقل باشد. اساسی‌ترین موضوع مهم در بیان مدل مکان، مدلی است که رابطه میان عناصر شکل‌دهنده هر مکان را شرح دهد. کالبد، فعالیت و تصویر ذهنی مولفه‌هایی هستند که کانترا برای مکان متصور است (کانترا ۱۹۷۷). نتیجه مطالعات ریچر<sup>۶</sup> و لاوارکاس<sup>۷</sup> هم نشان می‌دهد که تعلق کالبدی نقش اساسی و مهمی در ایجاد حس تعلق را داراست و آن را به ریشه‌داری تغییر می‌کنند. تاثیر عناصر کالبدی بر فرد باعث شکل‌دهی به معنای حس تعلق و نقش بستن آن بر ذهن بازدیدکننده می‌شود (ریچر و لاوارکاس ۱۹۸۱).

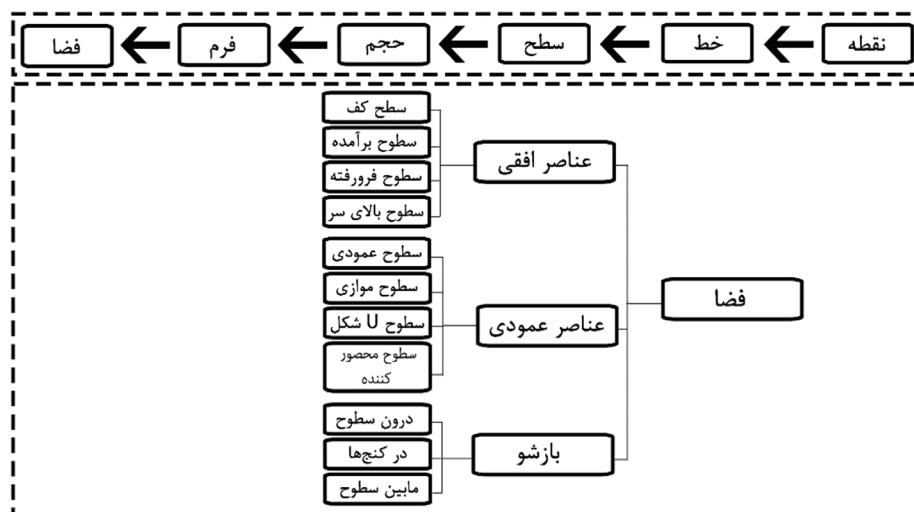
فلاح<sup>۹</sup> (۱۳۸۴)؛ عباسیان همدانی و دانشگر مقدم (۱۳۹۳) به ارتباط عوامل کالبدی نظیر نشانه‌ها، عواملی شکلی، روابط فضایی و سلسله‌مراتب در خلق حس مکان اشاره دارند و این عوامل را در ایجاد تصویر ذهنی در مخاطب





بتواند شناخت بهتری را از محیط پیدا کند. تعامل انسان با محیط به او خواهد گفت که چه رفتاری در محیط نشان دهد؛ و چگونه از ارتباط غیر کلامی محیط با استفاده از کالبد و سلسله‌مراتب بهره جوید.

افراد در محیط موثر است. بدون آنکه راهنمایی در محیط وجود داشته باشد؛ فرد می‌تواند با اولین حضور خود بر مبنای ادراک از کالبد به هدف برسد. می‌توان این‌گونه عنوان کرد که فرد دائماً در حال رمزگشایی است تا



تصویر ۲. دسته‌بندی فضاها براساس فرم کالبدی (مأخذ: نگارندگان؛ با اقتباس از چینگ ۱۳۹۱)

به مکان نسبی با یکدیگر دارند. در تایید این موضوع مطالعه نشان داد که جنبه‌های کاربردی و نحوی نشانه‌ها که به ترتیب به فعالیت‌ها و سلسله‌مراتب مرتبط بوده در ایجاد حس مکان موثر هستند (فلاح و نوحی ۱۳۹۱، ۲۴-۲۳). این نکته نیز قابل توجه است که ارتباط مستقیمی میان سلسله‌مراتب با فعالیت‌هایی همچون حرکت، مکث، استراحت، گردش و تماشای منظره در فضا وجود دارد این بدان معنی است که شکل یا فرم فضا با واکنش کاربر در فضا مرتبط است (دی کی چینگ ۱۳۹۱، ۲۸۶). به صورت کلی انتظام در یک مجموعه درک و شناخت بهتری را از مکان به انسان داده و فعالیت او که شامل حرکت و سکون است؛ در ذهن او ماندگاری و حس تعلق ایجاد می‌کند.

#### حرکت و سکون در سلسله‌مراتب

سیالیت زمانی معنی پیدا می‌کند که بتوانیم از درون به بیرون و برعکس آن در فضا حرکت کنیم؛ بدون آنکه در این موضوع محدودیتی قائل باشیم؛ مگر آنکه خود حریمی را برای اعمال محدودیت قائل شویم؛ پس با این نتیجه می‌توان سکون را نیز حدس زد (اردلان و بختیار

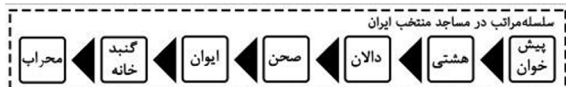
#### مفهوم سلسله‌مراتب

اصل سلسله‌مراتب می‌تواند به صورت طبیعی و یا توسط انسان بر جهان هستی و صنایع دستی انسانی حاکم شود. این اصل نقش به‌سزایی در احیا و ساخت یک مجموعه دارد و سبب هویت‌بخشی به آن خواهد شد. در معماری ایران دو نوع تقسیم‌بندی برای سلسله‌مراتب صادق است. اول به صورت شکلی، مانند ایجاد مقرنس، جهت تسهیل بصری تبدیل سطوح عمودی دیوارها به سقف. دوم به صورت معنایی، که در شکل‌گیری یک فضا مبتنی بر اتصال، انتقال و وصل ایجاد می‌شود. این نوع از تداوم فضایی معانی را شامل شده که علاوه بر تأمین نیاز عملکردی و فضایی، به توالی تسلسل حالات و احساسات منجر شده و بر ادراک مخاطب ناشی از فعالیت در فضا موثر است (طیسی و فاضل‌نسب ۱۳۹۱، ۸۵). معنای به وجود آمده می‌تواند با عوامل ایجادکننده حس تعلق به مکان نیز مرتبط باشد. از این جهت که حس تعلق به مکان در کالبد با تجربه و درک از محیط و تعامل با آن سر و کار دارد که بنا بر توضیحاتی که در بحث معنای حس مکان و عوامل ایجادکننده حس تعلق به مکان داده شد به نظر می‌رسد مفهوم سلسله‌مراتب و حس تعلق



### سلسله‌مراتب در مساجد

انسان به دلیل تعهد و پابندی به اعتقادات خود معماری پیرامونش را به شکلی سامان می‌داد که از سلسله‌مراتب خاصی پیروی کند تا بتواند انعکاس‌دهنده تفکرات او باشد. در این میان مساجد نیز به دلیل حس معنوی و روحانیشان از سلسله‌مراتب پیچیده‌تری برخوردارند؛ سلسله‌مراتب مساجد به صورت کلی در تصویر ۳ نشان داده شده است.

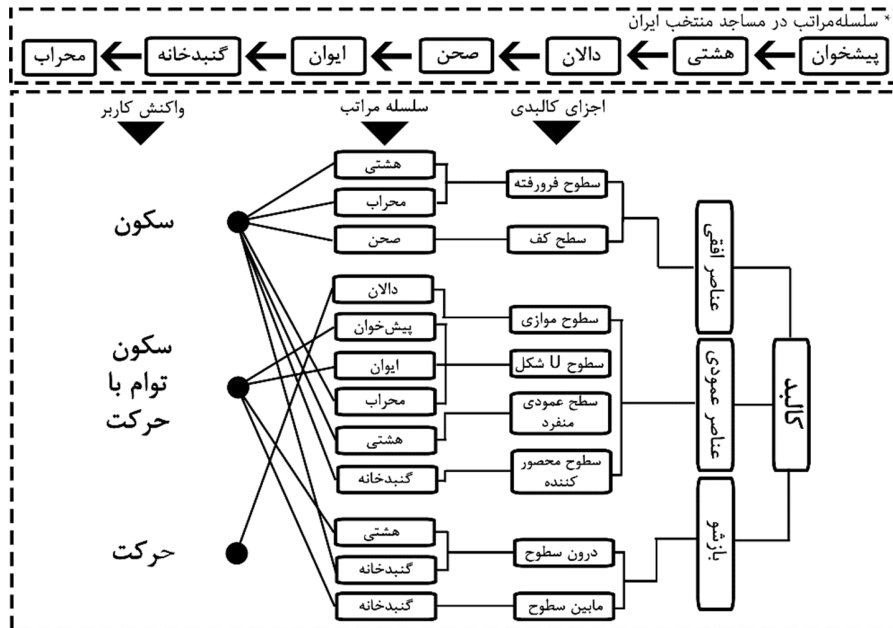


تصویر ۳. سلسله‌مراتب در مساجد منتخب ایران (مأخذ: نگارندگان)

در معماری نیز برای تداعی مفهوم گذار از دنیای خاکی به ماوراء، گاه به زبان تذکار (ذکر) و گاه در یک فرایند ادراکی، شخص را به گذار از یک مرحله به مرحله‌ای دیگر فراخوانده‌اند. سلسله‌مراتب می‌تواند در درک افراد و ایجاد یک مفهوم در آنان تاثیر زیادی داشته باشد و از این اصل برای نمایش سطح بالاتری از یک مفهوم در رویارویی با دنیای مادی استفاده کرد (نصر ۱۳۸۰، ۲۱۰).

۱۳۸۰، ۱۷). فضای سکون به این صورت تعریف می‌شود: فضاهایی که در ایجاد سلسله‌مراتب موثر هستند و تقدس را به فرد القا می‌کند در ابتدا او فضای سکون را درک می‌کند؛ سپس تصمیم به جهت‌یابی می‌گیرد و حرکت می‌کند. این نوع فضاها در ورودی مساجد و هشتی به روشنی قابل درک است. در مورد این حرکت قاعده زیر وجود دارد. هر چه ترکیب تحریکی جسم ایستاتر باشد؛ بیننده بایستی فعال‌تر شود و هر چه پویایی ترکیب تحریکی بیشتر باشد، احتیاج به فعالیت کمتری از طرف بیننده است (گروتز ۱۳۸۵، ۴۴۲).

حرکت و سکون در فضای معماری این امکان را به بیننده می‌دهد که اطلاعات مورد نیاز خود را از پیرامون خود گرفته و با محیط ارتباط برقرار کرده و شناخت خود را کامل کند که نمود بارز حرکت و سکون را می‌توان در سلسله‌مراتب مساجد مشاهده کرد. تکرار این عمل نشان از قانونی است که فرد را جایی به مکث و تامل و می‌دارد و در جایی دیگر انسان را به گذر و حرکت. توالی این عمل در مساجد محرک فعالیت انسان در مکان خواهد بود.



تصویر ۴. ارتباط سطوح کالبدی با سلسله‌مراتب و فعالیت (مأخذ: نگارندگان)





با خارج از محدوده جغرافیایی ایران، حضور عناصر جدیدی را در معماری ایرانی پرنگ کرد. از این دوره به بعد شاهد تحولات گسترده در نظام و ساختار کالبدی معماری ایرانی خصوصاً مساجد هستیم که با گذشت زمان، تلفیق به تغییر اساسی در روش ساخت و طراحی منجر شد؛ این تغییر معماری گذشته را کم رنگ‌تر کرده و نظام جدیدی را از سلسله‌مراتب را نشان داد. به همین منظور ادواری انتخاب شده است که آغاز، تداوم و اوج تحولات را نشان داده تا بتوان تحلیل درستی از سیر این تغییرات را ارائه کرد (جدول ۲).

سلسله‌مراتب در مساجد متشکل از سکون و حرکت‌هایی است که سبب تعمق‌بخشی به بنا شده و فرد را به تامل وامی‌دارد. در این میان او همواره در پی کشف راز و رمز از سکون تا حرکت اتفاق افتاده در مسیر خود است. با توجه به مدل کانتر برای درک بهتر، کالبد به سه مولفه افقی، عمودی و بازشو تبدیل و تحلیل می‌شود (تصویر ۴).

## مطالعات و بررسی‌ها

### مطالعه موردی

مساجد بررسی شده از سه دوره تاریخی قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی می‌باشد. ارتباط بیش از پیش دوره قاجار

جدول ۲. تاریخچه مساجد بررسی شده (مأخذ: نگارندگان)

دوره	مسجد	پیشینه	پلان	عکس
قاجار	حاج صفحعلی	این مسجد توسط حاج صفحعلی خوبی که بازرگانی معروف در دوره نایب‌السلطنه عباس میرزا بود بصورت فعلی ساخته شده است.		
	سیدحمزه	بنای اولیه سال ۷۱۴ ق ساخته شده است. بنا طی چند مرحله در دوره صفوی مطابق کتیبه ۱۰۸۷ ق مرمت شده است. در گنبدخانه این بنا کتیبه‌ای (۱۲۷۱ ق) وجود دارد که گواه بر توسعه و مرمت صحن و عمارت این مجموعه است		
پهلوی	نبی اکرم	مسجد نبی اکرم با کمک‌های مردمی توسط آقای حاجی مرادی ساخته شده و در سال ۱۳۵۴ ساخته شده است. در سال ۱۳۹۶ مسجد بازسازی و ضلع غربی به آن اضافه شده است.		
	حکیم	مسجد سید محسن طباطبایی حکیم واقع در کوچه حکیمی در سال ۱۳۴۹ ساخته شده است.		
جمهوری اسلامی	ولی عصر (عج)	بنای اولیه این مسجد در طبقه همکف با کاربری حسینیه در سال ۱۳۷۶ ساخته و در سال ۱۳۸۷ بنای فعلی با کاربری مسجد در طبقه اول شروع به ساخت شده است. این مسجد نیز با کمک‌های مردمی در سال ۱۳۹۸ به اتمام رسید.		
	دانشگاه تبریز	این مسجد در شمال شرقی سایت دانشگاه توسط دانشگاه تبریز ساخته شده و در سال ۱۳۸۱ به اتمام رسیده است.		

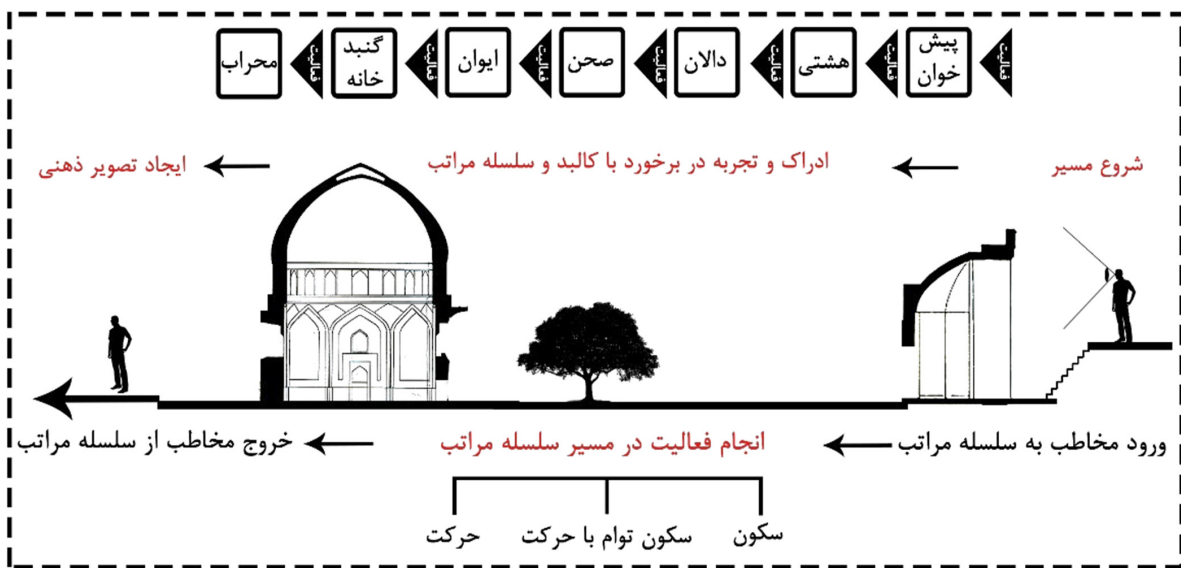




### تحلیل نمونه تطبیقی

در دوره قاجاریه دو مسجد حاج صفرعلی و سیدحمزه، دوره پهلوی مسجد نبی‌اکرم و سید محسن طباطبایی حکیم، و در دوره جمهوری اسلامی مسجد ولی‌عصر و دانشگاه تبریز مطالعه شده و سلسله‌مراتب دوره‌های تاریخی به صورت جداگانه بررسی شده است؛ تا بتوان تحلیل درستی از تغییرات به وجود آمده در هر دوره داشت. ورود به مسجد و مواجهه با کالبد و سلسله‌مراتب بر اساس تغییرات فعالیت

از حالت سکون، حرکت، سکون توأم با حرکت اتفاق افتاده و ادراک و تجربه منجر به ایجا یک تصویر ذهنی می‌شود (تصویر ۵). در مساجد مواجهه مخاطب با سلسله‌مراتب، حالت اتفاق افتاده در او به صورت یک تحلیل نوشته می‌شود. حالت اتفاق افتاده برای کاربر حاصل برخوردش با عناصر افقی، عمودی و بازشوها در مسجد می‌باشد که بر فعالیت او تاثیر گذاشته و برای کاربر تصویر ذهنی ایجاد می‌کند (تصویر ۲ و ۴).



تصویر ۵. مواجهه مخاطب با سلسله‌مراتب در مسجد (نگارندگان)





جدول ۳. تحلیل مراتب (سلسله‌مراتب) همراه با فعالیت افراد در فضا و ایجاد تصویر ذهنی در مخاطب (مأخذ: نگارندگان)

مراتب	دوره قاجار (حاج صفرعلی و سیدحمزه)	دوره پهلوی (نبی‌اکرم و حکیم)	جمهوری اسلامی (ولی‌عصر و دانشگاه تبریز)
پیشخوان (مرتبۀ اول)	۱. حاج صفرعلی: 	۱. نبی‌اکرم: 	۱. ولی‌عصر: 
تحلیل	۱. سکون همراه با حرکت: عقب‌نشستگی U شکل فرد را در ابتدا ساکن و سپس به حرکت ترغیب می‌کند. مکت در ورود به صفرعلی به‌دلیل پله و تعداد آن نسبت به سید حمزه بیشتر است.	۱. سکون همراه با حرکت: پله‌های پیش‌آمده و فرم عقب‌نشستگی U شکل باعث سکون کاربر شده سپس پله‌ها برای بالا رفتن او را به حرکت دعوت می‌کنند.	۱. سکون همراه با حرکت: به دلیل فرم U شکل پیشخوان در دو مسجد کاربر لحظه‌ای مکت کرده و سپس به حرکت خود ادامه می‌دهد.
هشتی (مرتبۀ دوم)	۱. حاج صفرعلی: 	۱. نبی‌اکرم: 	۱. ولی‌عصر: 
تحلیل	۱. سکون همراه با حرکت: هشتی به دلیل فرم برگرفته از دایره، تمرکز و سکون القا می‌کند اما فرد در مواجهه با عناصر مشبک تمایل به حرکت دارد. ۲. سکون همراه با حرکت: فرورفتگی کف هشتی کاربر را به سکون وا داشته و عدم مانع در جلو او، باعث ادامه مسیر می‌شود.	۱. حرکت: هشتی شباهت زیادی به راه رو دارد و دو سطوح موازی در دو طرف کاربر را به حرکت سوق می‌دهد. ۲. سکون: کاربر زمانی که به هشتی وارد می‌شود با دیوار صلب در پیش رویش مواجه شده و ساکن می‌شود.	۱. حرکت: هشتی این مسجد به دلیل عدم وجود عنصر عمودی شاخص، حس حرکت را القا می‌کند. ۲. سکون: به دلیل وجود عنصر صلب در پیش روی کاربر، او ساکن شده و می‌بایست یکی از راه‌های پیش‌رو خود را انتخاب کند.
دالان (مرتبۀ سوم)	۱. حاج صفرعلی: 	۱. نبی‌اکرم: 	۱. ولی‌عصر: 
تحلیل	۱. سکون همراه با حرکت: سطوح موازی راه‌رو حس حرکت را ایجاد و فرد از تاریکی هشتی به روشنی صحن هدایت کرده اما شکستگی دالان فرد را برای لحظه‌ای ساکن می‌کند. ۲. سکون همراه با حرکت: در ابتدا سکون کامل رخ داده و فرد باتوجه به فرم کابردی مسیر را انتخاب و به حرکت خود ادامه می‌دهد.	۱. این مسجد فاقد دالان است. ۲. این مسجد فاقد دالان است.	۱. این مسجد فاقد دالان است؛ اما عنصری شبیه به دالان در کنار هشتی قرار دارد که عملکرد راه‌رو ندارد. ۲. این مسجد فاقد دالان است.
صحن (مرتبۀ چهارم)	۱. حاج صفرعلی: 	۱. نبی‌اکرم: 	۱. ولی‌عصر: 
تحلیل	۱. سکون: احاطه شدن سطح کف به وسیله عناصر صلب حس سکون را ایجاد می‌کند و فرد مجبور به ایستادن می‌شود. ۲. با اینکه مجموعه دارای صحن می‌باشد اما مسجد فاقد صحن است.	۱. سکون: احاطه شدن سطح کف به وسیله عناصر صلب حس سکون را ایجاد می‌کند؛ البته سکون هم می‌تواند مرآتی داشته باشد.	۱. سکون: احاطه شدن سطح کف به وسیله عناصر صلب حس سکون را ایجاد می‌کند. البته سکون هم می‌تواند مرآتی داشته باشد.
ایوان (مرتبۀ پنجم)	۱. حاج صفرعلی: 	۱. نبی‌اکرم: 	۱. ولی‌عصر: 
تحلیل	۱. حرکت: ایوان به دلیل فرم و مقیاسش در فرد ایجاد حرکت می‌کند. ۲. مجموعه در صحن دارای ایوان می‌باشد؛ اما ایوان مسجد متصل به گنبدخانه نیست.	۱. سکون همراه با حرکت: ایوان به دلیل صفحه U شکل فرد را به سکون اما بازشو میانی او را به حرکت دعوت می‌کند.	۱. سکون همراه با حرکت: این دو ایوان به دلیل صفحه U شکل فرد را به سکون و بازشو میانی او را به حرکت دعوت می‌کند.
گنبدخانه (مرتبۀ ششم)	۱. حاج صفرعلی: 	۱. نبی‌اکرم: 	۱. ولی‌عصر: 
تحلیل	۱. سکون همراه با حرکت: ترکیب گنبدخانه با شبستان، فرد را به دلیل سطح بالا سریش (گنبد) به سکون و چون فاقد سطوح احاطه شده است او را به حرکت وا می‌دارد. ۲. حرکت: فقدان گنبد باعث ادامه مسیر می‌شود.	۱. سکون همراه با حرکت: ترکیب گنبدخانه با شبستان، فرد را به دلیل سطح بالا سریش (گنبد) به سکون و چون فاقد سطوح احاطه شده است او را به حرکت وا می‌دارد. ۲. حرکت: فقدان گنبد باعث ادامه مسیر می‌شود.	۱. سکون همراه با حرکت: وجود گنبدخانه در میانه مسجد و ترکیبش با شبستان، فرد را به دلیل سطح بالا سریش (گنبد) به سکون و چون فاقد سطوح احاطه شده است او را به حرکت وا می‌دارد.
محراب (مرتبۀ ششم)	۱. حاج صفرعلی: 	۱. نبی‌اکرم: 	۱. ولی‌عصر: 
تحلیل	۱. سکون: فرم U محراب و احاطه شدن سطح از سه جانب در فرد حس سکون ایجاد می‌کند و فرم سطح کف آن این حس را تقویت خواهد کرد.	۱. سکون: فرم U محراب و احاطه شدن سطح از سه جانب در فرد حس سکون ایجاد می‌کند و فرم سطح کف آن این حس را تقویت خواهد کرد.	۱. سکون: فرم U محراب و احاطه شدن سطح از سه جانب در فرد حس سکون ایجاد می‌کند.



## یافته‌های تحقیق

در این بخش با استناد به تحلیل‌های صورت گرفته از مواجهه کاربر با کالبد و سلسله‌مراتب در مساجد سه دوره، یافته‌ها را براساس آن بیان کرده و در آخر نتیجه گیری انجام خواهد شد:

مرتبه اول: پیشخوان. پیشخوان که شروع سلسله‌مراتب محسوب می‌شود. مسجد صفرعلی باتوجه به تاثیرپذیری از فرم U سردر (سطوح U شکل) و عملکردش فرد را وادار به سکون می‌کند. سکون ایجاد شده درک بهتری از پیشخوان را می‌دهد و تصویر ذهنی را در فرد ایجاد می‌کند و سپس به دلیل گشودگی میانی‌اش او را به حرکت ترغیب می‌کند. کیفیت سکون در پیشخوان به غنای کالبد آن بستگی دارد. به‌عنوان مثال در دو مسجد قاجاری، سطوح افقی (سطوح فرو رفته) و بازشو (درون سطوح) در کنار سطوح عمودی U ایفای نقش می‌کنند و غنای کالبدی را افزایش می‌دهند. در مسجد صفرعلی پله‌ها باعث شده بود فرد مدت زمانی بیشتری توقف کند. مسجد سیدحمزه نیز به دلیل سطح فرورفته در کف هشتی فرد را متوقف می‌کند. در مسجد نبی‌اکرم و حکیم این مرتبه کمی دچار تغییر شده است؛ و کاربر به جای پایین رفتن و سکون به بالا صعود می‌کند؛ و همچنان سکون همراه با حرکت دارد. در مساجد دانشگاه تبریز و ولی‌عصر سطح عمودی U (سطوح U شکل) فرد را لحظه‌ای به سکون وا داشته و او به حرکت خود ادامه می‌دهد.

مرتبه دوم: هشتی. عملکرد هشتی در مسجد صفرعلی به دلیل فرم هندسی آن باعث سکون فرد در حین ورود می‌شود از طرفی با توجه به فرم مشبک بازشو (درون سطوح) در پیش رو، فرد حیاط مسجد را می‌تواند به صورت ناقص ببیند. او مدت بیشتری ساکن است؛ و در نهایت او ترغیب به حرکت می‌شود. مسجد سیدحمزه نیز به دلیل فرم هندسی آن و فرو رفتگی سطح افقی‌اش (سطوح فرورفته) حس تمرکز را در فرد ایجاد می‌کند؛ که او ساکن می‌شود و سپس به دلیل گشودگی درون سطوح هشتی حرکت می‌کند. هشتی دوره‌های بعد فاقد کارکرد لازم است؛ در مسجد نبی‌اکرم هشتی تبدیل به راهرو (سطوح موازی) می‌شود و فرم گذشته را ندارد. نمونه دیگر عدم کارکرد مسجد حکیم است هشتی آن جنبه تقسیم فضا را داراست؛ و فرد در بطن ورود با دیوار صلب (سطوح عمودی منفرد) مواجه و ساکن شده؛ و

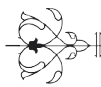
دچار سردرگمی می‌شود. در مسجد ولی‌عصر کاربر بعد از ورود به هشتی به دلیل عدم وجود عنصر عمود یا افقی شاخص، فرد به راه خود ادامه می‌دهد؛ و هیچ‌گونه توقفی حاصل نمی‌شود. هشتی مسجد دانشگاه تبریز به دلیل وجود عنصر صلب (سطوح عمودی منفرد) در ورودی به شبستان و تعدد ورودی‌ها به فرد حس سکون را القا کرده و او کاملاً ساکن می‌شود.

مرتبه سوم: دالان. در مسجد صفرعلی فرم و عملکرد باهم در ایجاد سکون همراه با حرکت موثر است (سطوح موازی). در این مرتبه مسجد سیدحمزه با صفرعلی متفاوت است. این مسجد نیز دالان دارد؛ اما ورودی به دالان در وسط قرار گرفته است و فرد در حین ورود با دیوار مواجه و متوقف می‌شود؛ با این‌حال سطوح عمودی U شکل شبیه به ایوان یا تاق‌نما، به صورت متوالی در جلو و در طرفین به غنای کالبدی دالان می‌افزاید؛ و کاربر بعد از سکون کامل می‌تواند راه خود را پیدا و حرکت کند. در دوره بعدی این عنصر در این دو مسجد حذف شده است؛ اما در مسجد ولی‌عصر عنصری شبیه به دالان وجود دارد که عملکرد متفاوتی دارد؛ پس از تحلیل خارج است.

مرتبه چهارم: صحن. به صورت کلی مساجد تبریز به دلایل اقلیمی فاقد صحن می‌باشد؛ و یا اگر صحن داشته باشند در مقایسه با صحن‌های فلات مرکزی کوچک‌تر و فاقد کاربری مشخص است. مسجد صفرعلی در میان مساجد دیگر دارای صحن است و فرد با ورود به آن به دلیل سطح کف و سطوح محصورکننده ساکن می‌شود. مجموعه مسجد سیدحمزه حول یک حیاط شکل گرفته؛ اما خود مسجد فاقد صحن است و جزو سلسله‌مراتب ورود نمی‌باشد. لازم به ذکر است که صحن‌های یادشده در این دوره از غنای کالبدی برخوردار بوده‌است. صحن در دو مسجد قاجاری دارای حوض و آب‌نما، سکو، ایوان است. در دوره‌های بعدی صحن به صورت کامل حذف شده‌است؛ و یا در مقایسه با دوره قاجاری غنای کافی را ندارند.

مرتبه پنجم: ایوان. همان‌طور که گفته شد مساجد تبریز فاقد صحن بوده و ایوان به ترتیب در سلسله‌مراتب گفته شده قرار نمی‌گیرد و در این مرحله ایوان‌های متصل به فضای باز بررسی می‌شود. اگر مطابق با وضع فعلی مسجد قضاوت صورت بگیرد؛ در مسجد صفرعلی ایوان متصل به صحن شاخص نبوده‌است و فقط حرکت در آن اتفاق می‌افتد. مسجد سیدحمزه با دارا بودن ایوان رو به صحن در ترتیب سلسله‌مراتب قرار نمی‌گیرد؛ چراکه





بدون تغییر بوده و به شکل U ساخته شده است. کاربر در برخورد با این عنصر ساکن می‌شود و توقف کامل می‌کند؛ چراکه این عنصر آخرین مرتبه از سلسله‌مراتب بوده و به وسیله جداره‌های پیرامونی احاطه شده است. در بررسی محراب این شش مسجد، مساجد دوره آخر ولی عصر و دانشگاه تبریز سطح کف محراب فرورفتگی (سطوح فرورفته) نداشته؛ و از غنای کالبدی نسبت به محراب‌های مساجد بررسی شده کاسته است.

بعد از مطالعه سلسله‌مراتب در نمونه‌های ذکر شده نکته‌ای در این مساجد قابل بیان است؛ همانطور که اشاره شد سلسله‌مراتب که در مساجد مطالعه شده در مقایسه با مساجد منتخب ایران (تصویر ۳) متفاوت بوده است؛ و از مدل گفته شده در محث سلسله‌مراتب پیروی نمی‌کند. مساجد در دیگر نقاط ایران مخصوصاً فلات مرکزی با محوریت حیاط شکل گرفته؛ با این حال در مساجد تبریز این اصل نادیده گرفته شده است.

مساله بعدی کیفیت فضای بررسی شده است. در مبانی نظری مطرح شد که نشانه‌های کالبدی و سلسله‌مراتب تا چه اندازه در ایجاد حس تعلق به مکان موثر است؛ پس این مساله نیز صادق است. ادراک غنای کالبدی یعنی کاستی یا وجود سطوح کالبدی در سلسله‌مراتب گفته شده که منطبق بر فعالیت کاربر در مساجد می‌باشد؛ تاثیر مستقیم بر میزان حس تعلق به مکان دارد. پس ممکن است با اینکه فعالیت ناشی از سکون یا حرکت در یک مرتبه یکسان باشد؛ اما کیفیت و غنای کالبدی آن مرتبه منطبق بر سطوح کم یا بیشتر باشد.

در جدول زیر مطابق با تصویر ۴، وضعیت سطوح را در هریک از عناصر حاضر در مساجد سه دوره بررسی کرده و تحلیل خود از هر سطوح به صورت کلی بیان شده است.

صحن در پشت مسجد قرار دارد. در دوره پهلوی و جمهوری اسلامی به دلیل حذف و یا کاربرد ناقص صحن در مساجد ایوان در پیش‌خوان نقش پررنگ‌تری ایفا می‌کند و از عناصر شاخص‌تری نسبت به دوره قبلی (قاجار) برخوردار است. در مساجد دوره‌های بعد ایوان به صورت U شکل است. فرد در ابتدا ساکن می‌شود؛ و سپس به راه خود ادامه می‌دهد. عناصر عمودی همانند درب چوبی، مناره‌ها بر غنای کالبدی ایوان افزوده است.

مرتبه ششم: گنبدخانه. در مسجد صفرعلی و سیدحمزه، گنبد باعث توقف کاربر در بطن ورود به گنبدخانه، و او در میانه شبستان ساکن می‌شود. عناصری مثل بازشوهای درونی (درون سطوح) و میانی (مایین سطوح) در گنبدخانه و شبستان سکون کاربر را زیاد می‌کند؛ و بر غنای کالبدی گنبدخانه افزوده است. در دو مسجد پهلوی نقش گنبد و گنبدخانه کم‌رنگ‌تر شده است؛ که مصداق آن در مسجد نبی‌اکرم مشاهده می‌شود. اندازه گنبد کوچکتر شده در نتیجه سکون کاربر کمتر شده و سطوح محصورکننده حذف شده است؛ پس او بیشتر تمایل به حرکت دارد؛ در مسجد حکیم گنبد به کلی حذف شده است و کاربر سعی در حرکت به سمت محراب دارد. در مساجد ولی‌عصر و دانشگاه تبریز گنبد مجدداً در سکون افراد نقش دارد. در این دو مسجد بزرگی گنبد در میانه شبستان کاربر را به سکون واداشته است و او را متوقف می‌کند. غنای کالبدی در مسجد دانشگاه تبریز بیشتر احساس می‌شود؛ چراکه تعدد بازشو سطوح میانی (مایین سطوح) باعث شده گنبد نور را به مرکز گنبدخانه انتقال دهد و او بیشتر ساکن می‌شود؛ اما در دو مسجد به دلیل عدم احاطه سطوح (سطوح محصورکننده) کاربر به حرکتش ادامه می‌دهد. مرتبه هفتم: محراب. این عنصر در تمامی مساجد سه دوره



جدول ۴. تطبیق مولفه‌های کالبدی با عناصر مسجد در سه دوره تاریخی (مأخذ: نگارندگان)

جمهوری اسلامی	پهلوی	قاجار	
مساجد در این دوره فقط صرفاً سطوح بالاسری خود را همانند ایوان و گنبد را حفظ کرده‌اند و در بقیه موارد سطوح به کلی حذف شده است.	سطوح افقی فرورفته همچون هشتی دیده نمی‌شود؛ اما سطح فرورفته و کف به ترتیب در محراب و صحن همچنان دیده می‌شود. سطوح بالاسری گنبد و ایوان در این دوره و در سلسله‌مراتب دچار تغییراتی شده است که در مسجد حکیم ایوان و گنبد به صورت کامل حذف شده است.	سطوح افقی شامل هشتی، صحن و محراب می‌باشد که علاوه بر آن سطوح بالاسری افقی در پیشخوان، ایوان و گنبد را می‌توان دید. در دوره‌های بعدی این سطوح تکرار و یا با تغییراتی در مساجد پدیدار می‌شود در برخی مراتب نیز این سطوح به کلی حذف شده است.	سطوح افقی
سطوح U شکل در ایوان تقویت شده و رفیع‌تر ساخته شده‌اند. در محراب‌ها عنصر U شکل مثل دوره گذشته تکرار شده است. عناصری همچون سطح عمودی هشتی و عناصر موازی دالان در این حذف و فقط دالان در مسجد ولی عصر حضور نمادین دارد.	سطوح عمودی U شکل در ایوان و محراب تکرار شده است. هشتی‌ها در این دوره کارکرد گذشته خود را از دست داده‌اند. عنصر دالان حذف و در دوره بعدی نیز دیده نمی‌شود. سطوح محصورکننده گنبدخانه و صحن نیز در این دوره و دوره بعدی کاربرد خود را از دست داده است.	سطوح عمودی U شکل در پیشخوان، ایوان و محراب به چشم می‌خورد. در صحن و گنبدخانه نیز سطوح محصورکننده وجود دارد. سطح دیگر دیده شده در دو مسجد، سطوح موازی دالان است که در مسجد سیدحمزه از عناصر U نیز در آن استفاده شده است.	سطوح عمودی
پنجره‌های زیرگنبد در مسجد دانشگاه تبریز مصداق دارد. سطح بازشو نیز در هشتی حذف شده است؛ و پنجره‌هایی که در جداره قرار دارند تکرار شده؛ اما از اندازه آن نسبت به دوره قبل کاسته شده است.	در این دوره سطوح بازشو در جداره مقیاس بیشتری پیدا کرده است؛ و سطوح بازشو در هشتی و زیرگنبد حذف شد.	سطح بازشو در دیواره ورود به هشتی و زیر گنبد را می‌توان در مسجد صفرعلی دید. یک سطح بازشو مشبک در ورودی هشتی و در داخل هشتی وجود دارد. در جداره هر دو مسجد پنجره‌هایی (درون سطوح) نور را به شبستان می‌رساند.	سطوح بازشو

ایجاد حس تعلق به مکان، سلسله‌مراتب متوالی در مساجد است که براساس این سلسله‌مراتب تمام اجزای مسجد باهم مرتبط و مکمل یکدیگر هستند به‌عنوان مثال، زمانی که فرد از پیشخوان گذر می‌کند به فضای هشتی خواهد رسید؛ با توجه به تاریکی هشتی و صفحه مشبک پیش رو بازدیدکننده که حیاط را نشان می‌دهد فرد ترغیب می‌شود که از طریق دالان از تاریکی به روشنی برسد. همین عملکرد و توالی باعث ایجاد تصویر ذهنی می‌شود که در مسجد نبی اکرم و حکیم به دلیل فرم نامناسب هشتی و حذف راهرو و در مسجد ولی عصر به جهت جدا بودن عملکرد راهرو از هشتی و فرم نامناسب آن ممکن است تصویر ذهنی مطلوب را ایجاد نکند.

حاصل پژوهش در جملات زیر خلاصه می‌شود. توالی وجود سلسله‌مراتب در کنار غنای کالبدی زمینه‌سازی حس تعلق به مکان کاربر را فراهم می‌کند. در طول سه دوره، از قاجاریه به معاصر بعضی از سلسله‌مراتب حذف یا دچار تغییرات عمده شده است که باعث کاسته شدن غنای کالبدی می‌شود. بدین ترتیب فعالیت کاربر نیز

## نتیجه‌گیری

مطابق با تحلیل و یافته‌ها بحث نتیجه‌گیری را می‌توان به دو صورت کلی بیان کرد در محث حس تعلق به مکان مساجد قاجاری همچون حاج صفرعلی و سیدحمزه از نظر کالبدی نسبت به مساجد بررسی شده از حس تعلق به مکان بیشتری برخوردار است؛ چراکه غنای کالبدی ناشی از نشانه‌ها و سطوح این دو مسجد در مقایسه با مساجد دیگر افزون‌تر است. وقتی که یک مسجد از نظر کالبدی مولفه‌ها و نمادهای بیشتری را شامل باشد و به اصطلاح غنی باشد؛ کدهایی را به بازدیدکننده القا می‌کند؛ و باعث واکنش او در مواجهه با سطوح و عناصر کالبدی می‌شود. به بیان دیگر، انسان بر اساس مواجهه با کالبد واکنش نشان می‌دهد؛ و رفتار می‌کند. تاثیر تجربه و درک از کالبد می‌تواند کاربر را به سکون، حرکت و سکون همراه با حرکت ترغیب کند. درک از کالبد در هر کدام از فعالیت اشاره شده می‌تواند بر تجربه فرد از فضا بیفزاید و خاطره‌انگیزی، تعلق مخاطب به فضا و تصویر ذهنی را برای او به ارمغان می‌آورد. عامل دیگر در



از فضا کمتر شود؛ و پیوند میان سلسله‌مراتب و حس تعلق به مکان را کمرنگ خواهد کرد.

تحت تاثیر قرار می‌گیرد و او را از سکون به حرکت بیشتر یا گذر از سلسله‌مراتب ترغیب می‌کند. تغییر در توالی و گذر از سلسله‌مراتب، باعث می‌شود تصویر ذهنی مخاطب

### پی‌نوشت

۱. Canter
۲. Panter
۳. Shamai
۴. Steele
۵. Relph
۶. Riger
۷. Lavrakas
۸. Klee

### منابع

۱. اردلان، نادر، و لاله بختیار. ۱۳۸۰. حس وحدت. ترجمه‌ی حمید شاهرخ. تهران: نشر خاک.
۲. حیدری، علی‌اکبر، قاسم مطلبی، و فروغ نگین‌تاجی. ۱۳۹۳. تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی امروزی. هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی ۱۹ (۳): ۷۵-۸۶.
۳. دانشپور، عبدالهادی، و مجتبی مهدوی‌نیا، و محمد مهدی غیائی. ۱۳۸۸. جایگاه دانش روانشناسی محیطی در ساختمان‌های بلندمرتبه با رویکرد معماری پایدار، هویته‌شهر (۵): ۲۹-۳۸.
۴. دی کی چینگ، فرانسیس. ۱۳۹۱. فرم، فضا و نظم. ترجمه زهره فراگزلو. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. رضایی ندوشن، محمد، عبدالهادی دانشپور، و مصطفی بهزادفر. ۱۳۹۸. سیر تحول حرم حضرت معصومه(س) با تاکید بر سلسله‌مراتب ورود (تشریف) از دوره صفوی تا دوره قاجار. مطالعات معماری ایران ۸ (۱۶): ۸۱-۱۰۴.
۶. رضوانی، نوشین، مصطفی بهزادفر، و کیومرث حبیبی. ۱۳۹۶. ارزیابی بافت‌های تاریخی بر پایه هنجار حس تعلق به مکان (نمونه مطالعاتی: محله سرچشمه گرگان). پژوهش و برنامه‌ریزی شهری ۸ (۲۹): ۲۳-۴۲.
۷. طیبیان، منوچهر، نصیبه چریگو، و انیسه عبدالهی‌مهر. ۱۳۹۰. بازتاب اصل سلسله‌مراتب در شهرهای ایرانی-اسلامی. آرمانشهر ۴ (۷): ۶۳-۷۶.
۸. طبسی، محسن، و فهمیه فاضل‌نسب. ۱۳۹۱. بازشناسی نقش و تأثیر جریان‌های فکری عصر صفوی در شکل‌گیری ورودی مساجد مکتب اصفهان. هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی ۱۷ (۳): ۸۱-۹۰.
۹. عباسیان همدانی، فهیمه، و گلرخ دانشگر مقدم. ۱۳۹۳. بررسی حس مکان در مساجد معاصر با طرح سنتی و نو. مطالعات محیطی هفت حصار ۳ (۹): ۲۲-۱۳.
۱۰. فاضلیان، محسن، و محمدرضا قاسمی. ۱۳۹۲. بررسی ویژگی‌های فضاهای اجتماعی مناسب در ایجاد حس تعلق به محله (مورد مطالعه: منطقه ۲ شهرداری تهران). مدیریت‌شهری ۵ (۴): ۵۱-۶۱.
۱۱. فلاحت، محمد صادق. ۱۳۸۴. نقش طرح کالبدی در حسمکان مسجد. هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی ۲۲ (۲۲): ۴۲-۳۵.
۱۲. \_\_\_\_\_، و سمیرا نوحی. ۱۳۹۱. ماهیت نشانه‌ها و نقش آن در ارتقای حس مکان فضای معماری. هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی ۱۷ (۱): ۱۷-۲۶.
۱۳. گروتر بورک، کورت. ۱۳۸۵. زیبایی‌شناسی در معماری. ترجمه‌ی جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۴. لینچ، کوین. ۱۳۷۲. سیمای‌شهر. ترجمه‌ی منوچهر مزینی. تهران: دانشگاه تهران.
۱۵. محمدیان منصور، صاحب. ۱۳۸۶. سلسله‌مراتب محرمیت در مساجد ایرانی. هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی (۲۹): ۵۹-۶۸.
۱۶. مرتضوی، شهناز. ۱۳۸۰. روان‌شناسی محیط. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۷. مشکینی، ابوالفضل، اکرم قاسمی، و مهدی حمزه‌نژاد. ۱۳۹۳. ارزیابی حس تعلق به مکان ساکنان شهرهای جدید (مطالعه موردی: ...)





- شهر جدید هشتگرد). فضای جغرافیایی ۱۴(۴۸): ۴۱-۵۶.
۱۸. نصر، حسین. ۱۳۸۰. معرفت و امر قدسی. ترجمه‌ی فرزانه حاجی میرزایی. تهران: نشر و پژوهش فرزانه‌روز.
۱۹. ناری‌قمی، مسعود، مینو قره‌بگلو. ۱۳۹۴. الگوواره دانش روانشناسی محیط در تعامل با اندیشه اسلامی. پژوهش‌های معماری اسلامی ۳(۱): ۱۹-۳۶.
۲۰. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۷۸. معماری مسجد از مفهوم تا کالبد (از گذشته تا آینده). مجموعه مقالات همایش معماری مسجد گذشته، حال، آینده. ج ۲. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

## References

1. Canter, David. 1977. *The Psychology of Place*. London: Architectural Press.
2. Ganji Jameh Shouran, Farzaneh, Somayeh Amir Shah Bande, and Shamin Gheib. 2016. *Investigating the Factors Affect Individual's Attachment to Place*. *International Academic Journal of Science and Engineering* 3 (12): 11-19.
3. Ozdemir Darby, Dilek, and Tugce Ozata. 2017. *Analysing The Concept of Place Attachment in The Context of Spatial Factors: Kuzguncuk*. *International Journal of Architecture & Planning* (5): 18-29.
4. Punter, J. V. 1991. *Participation in the Design of Urban Space*. *Landscape Design* (200): 24-27.
5. Relph, E. 1976. *Place and Placelessness*. London: pion.
6. Riger, Stephanie, and Paul Lavrakas. 1981. *Community ties: pat-terns of attachment and social interaction in urban neighborhoods*. *American Journal of Community Psychology* 9(1): 55-66.
7. Shamai, S. 1991. *Sense of Place: An empirical measurement*. *Israel Geoforum* (22): 347-358.
8. Steele, Fritz 1981. *The Sense of Place*. Boston: CBI Publishing C.
9. Abbasian Hamedani, Fahimeh, and Golrokh Daneshgar Moghadam. 2014. *A Study of the Sense of Place in Contemporary Mosques with Traditional and New Designs*. *Haft Hesar, Journal of Enviromental Studies* 3 (9): 13-22.
10. Ardalan, Nader and, Laleh Bakhtiar. 2001. *The Sense of Unity: The Sufi Tradition in Persian Architecture*. Translated by Hamid Shahrokh. Tehran: Khak.
11. Ching, Frank. 2012. *Architecture, Form, Space and Order*. Tehran: University of Tehran Press.
12. Heidari, Ali Akbar, Ghasem Motalebi and Forough Negintaji. 2014. *Analysis of the Physical Sense of Place in the Traditional Houses and Modern Residential Apartments*. *The Journal of Honar-ha-ye-Ziba-Memari-Va-Shahr-sazi* 19 (3): 75-86.
13. Daneshpour, Abdolohadi, Mojtaba Mahdavi and, Mohammad Mehdi Ghiaei. 2009. *The Position of Environmental Psychology Knowledge in High-Rise Buildings with a Sustainable Architecture Approach*. *Journal of Hoviat shahr* (5): 38-29.
14. Rezayee Nedoushan, Mohammad, Abdolhadi Danesh pour and, Mostafa Behzadfar. 2020. *The Development History of the Holy Shrine of Hazrat-e Ma 'soumeh (pbuh) in Qom, Iran: Hierarchy of Entry from the Safavid Period to the Qajar Period*. *Journal of Iranian Architecture Studies* 8 (16): 81-104
15. Rezvani, Noushin, Mustafa Behzadfar, and Kiomars Habibi. 2017. *The Evaluation of Environmental qualities in historic tissues based on sense of place (Case study: The Sarcheshme Neighborhood of Gorgan)*. *Journal of Research and Urban Planning* 8 (29): 23-42.
16. Tabasi, Mohsen, and Fahmiyeh Fazelnasab. 2012. *Recognizing the Role and Influence of Safavid Thought Currents in the Formation of the Entrance of Isfahan Schools*. *The Journal of Honar-ha-ye-Ziba-Memari-Va-Shahr-sazi* 17 (3): 81-90.
17. Fazelian, Seyed Mohsen, and Mohammad Reza Ghasemi. 2013. *Study the Characteristics Appropriate Social Spaces to Create a Sense of Belonging to the Neighborhood Case study: Region 2 of Tehran Municipality*. *Journal of Urban Management Studies* 5(16): 51-61.
18. Falahat, Mohammad Sadegh. 2005. *The Role of Physical Design in the Sense of the Mosque Location*. *The Journal of Honar-ha-ye-Ziba-Memari-Va-Shahr-sazi* 22 (22): 35 - 42.
19. Falahat, Mohammad Sadegh, and Samira Nouhi. 2012. *The Nature of Signs and Their Role in Enhancement of Sense of Place in Architectural Spaces*. *The Journal of Honar-ha-ye-Ziba-Memari-Va-Shahr-sazi* 17 (1): 17-26.





20. Grotter Burke, Kurt. 2006. *Aesthetics in Architecture*. Jahanshah Pakzad and Abdolreza Homayoun. Tehran: Shahid Beheshti University Press.
21. Golkar, Kourosh. 2000. *Components of Urban Design Quality*. *Journal of Soffeh (Journal of Shahid Beheshti University)* 11 (32): 38-65.
22. Mortazavi, Shahnaz 2001. *Environmental Psychology*. Tehran: Shahid Beheshti University Press.
23. Meshkini, Abolfazl, Akram Qasemi, and Mahdi Hamzenejad. 2015. *The Evaluation of the Residents Sense of Attachment to Place in the New Towns (Case Study: Hashtgerd New Town)*. *Journal of Geographical Space* 14 (48): 41-56.
24. Mohammadiyan Mansour, Saheb. 2007. *Hierarchy of Secrecy in Iranian Mosques*. *Journal of Honar-ha-ye-Ziba-Memari-Va-Shahrsazi* (29): 86-104
25. Tabibian, Manuchehr, Nasibeh Charbgoon, and Ensieh Abdollahimehr. 2012. *The Principle of Hierarchy Reflection in Islamic Iranian Cities*. *Armanshahr Architecture & Urban Development* 4 (7): 63-76.
26. Nari Ghomi, Masoud, and Minou Gharehbaglou. 2015. *A Model of Environmental Psychology in interaction with Islamic thought*. *Researches in Islamic Architecture* 3 (1): 19-36.





## Effect of Hierarchy Sequence in Creating Sense of Belonging to the Place (Case study: Tabriz mosques)

**Ahad Nejad Ebrahimi**

Associate Professor of Architecture, The faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Iran, (Corresponding author)

**Mohammad Sheikhol Hokamaei**

M, A Student in Architecture of Islamic, The faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Iran

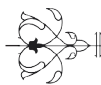
Received: 15/8/2021

Accepted: 9/9/2020

### Abstract

Hierarchy can rule the world or human handicrafts naturally or by a human. This principle plays a significant role in the regeneration and construction of a complex, leading to its identification. Observing hierarchy in the construction of the buildings has been one of the rules, resulting in the spatial arrangement in different buildings, including mosques. Due to the commitment and adherence to his/her beliefs, the human has formed his/her surrounding architecture in a way to observe a particular hierarchy and can reflect his/her thoughts. In the meantime, the mosques have a more complicated hierarchy due to their sense of spirituality. Observing the sequence and principles of the hierarchy used in mosques for years has a direct impact on people's emotions and activities during visiting the mosques as the formed activity has a direct relationship with the human and his/her mindsets on the mosque and leads to creating the sense of belonging to the place. Sense of the place is one of the concepts considered and mentioned by various scholars nowadays. According to scholars, its importance is due to creating identity and a sense of the belonging by the sense of the place and its related components. The sense of belonging to the place is one of the components of the sense of the place, addressing people's experiences of being present in places and the mental images embedded in their minds and resulting in creating a type of sense of the belonging based on the experience. It is manifested experimentally and perceptually in the human, obtained by communicating with the environment. The theorists have stated it in different ways. Considering the sense of belonging physically and paying attention to its aspects are of significant importance. The effect of the physical elements on the individual creates the meaning of the sense of belonging and its embedment in the viewer's mind. Body, activity, and mental image are the components that can be imagined for the place. Accurate study of Quranic concepts also shows a trace of attention to the signs, so that the body of nature concerning the human has secrets and mysteries and concepts that are mentioned in many verses of the Qur'an and God refers to it by Aye, i.e., sign. In the Islamic area, it can be said that symbolic, semiotics, and allegorical factors can be manifested in physical elements because they are dependent on time and place and are perceived and meaningful for the thinking and conscious human being. Given the importance of the body, the perceived codes from the physical surfaces are influential in directing the individuals in the environment. Without guidance in the environment, a person can reach the goal with the first presence based on the perception of the body. It can be said that the individual is constantly decoding to have a better understanding of the environment. The human-environment relationship will tell the human how to behave in the environment and use the non-verbal relationship with the environment through the body and hierarchy. The mosque is also one of the manifestations of the emergence of meaning in the body. Also, according to the approach of the body designed in it, it affects its emotions,





and its activity in the mosque creates a suitable mental image of the experience of visiting. After the Qajar period and in Pahlavi and Islamic Republic eras, due to making changes in the model of the mosques, their hierarchy changed. Thus, considering the effect of hierarchy on individuals' activity and mindsets, it is required to study the relationship between the hierarchy and the sense of belonging to the place. The current study aims to investigate the physical changes of the mosques and their effects on user's sense of belonging to the place when visiting the mosque. Thus, the following question must be answered: how does hierarchy affect creating the sense of belonging to the place in mosques? The questions were investigated qualitatively using the library and field studies in the research method. The present study was conducted by providing a research model based on the physical form of the mosques and evaluating it based on the adaptation of the hierarchy and analyzing the physical elements affecting the sense of belonging to the place. The findings show that some of the physical elements in the mosques changed over time, which is understood through the difference in the physical signs of the hierarchy. Moreover, eliminating the hierarchy in some mosques affected the users' activity and interaction in the space and will have a significant impact on creating the audience's mental image of the mosque. The research results indicate that the hierarchy and sense of belonging to the place in mosques complement each other so that changing the sequence or deleting the hierarchy in each period causes the nature of the physical elements to change from the pause to the movement or pass through the hierarchy. Therefore, as a result of this change, experiencing and perceiving the physical signs in the hierarchy are not properly conducted and affect the individual's sense of belonging to the place.

**Keywords:** Hierarchy, body, mental image, activity, sense of belonging to the place

